

تعداد سوالات : تستی : ۳۰ تشریحی : ۴۵ زمان آزمون (دقیقه) : تستی : ۴۵ تشریحی : ۴۵

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۲۳۰۰۱۴ - ، زبان و ادبیات عربی ۱۲۳۰۱۱۱

۱ - عین الصحيح فی ترجمه العبارات التي تحتها خط فی الأبيات التالية:
ولما رأيت الشرب أكدت سماؤهم تأبطت زقي و احتضنت إنائي:

۱. ظرف شراب را زیر بغل زد
۲. کوزه را در بغل گرفتم
۳. ظرف شراب را در دست گرفتم
۴. جام شراب را در دست گرفتم

۲ - فی دون ما قلت زال الصبر والجلد:

۱. در برابر آنچه
۲. به خاطر آنچه
۳. کمتر از آنچه
۴. درباره آنچه

۳ - من سمات هذه الثقافة هو التفخيم و الإطناب فی الكلام و الكتابه:

۱. الثقافة اليونانية
۲. الثقافة الفارسية
۳. الثقافة العربية
۴. الثقافة الهندية

۴ - فی جحل هتم الثنايا وقعه
كالبهر فهو غطامط زخار:

۱. گروه عمیق
۲. دسته موج
۳. لشکر بزرگ عمیق
۴. شکافی کم مسافر

۵ - تعدد.....من المراكز الأدب العباسی الذي كثر التنافس بينهما.

۱. بغداد والبصرة
۲. البويهين و الفاطميين
۳. البصرة و الكوفة
۴. الفسطاط و الجرجان

۶ - عصيت شفيع النفس فيه و قاذني
رواح بتدآب السرى و بكور:

۱. به من توجه کرد حرکت در بامداد
۲. درستش را به من گفت حرکت در چاشتگاه
۳. مرا نصیحت کرد حرکت در ظهر
۴. مرا هدایت کرد حرکت در شب

۷ - من الخصائص الذي يحمله هذا الشعر هو النظر التحليلی فی الكائنات:

۱. الشعر السياسي
۲. الشعر الفلسفی
۳. الشعر الصوفی
۴. الشعر التعليمی

۸ - ظمئت إلى صافی الهواء و طلقه
فهل لی يوماً فی رضاك ورود:

۱. تشنه شدم معتدل
۲. گرسنه شدم آزاد
۳. سیر شدم اسیر
۴. لبریز شدم سرد

۹ - من الأغراض النثرية التي ضعفت فی العصر العباسی الأول هي:

۱. الكتابه
۲. المقامه
۳. الخطابه
۴. الروايات القصصيه

۱۰ - أضحي التنائی بديلاً من تدائينا
وناب عن طيب لقينا تجافينا:

۱. وصال وصال
۲. دوری وصال
۳. وصال دوری
۴. دیدار روبرتافتن

تعداد سوالات : تستی : ۳۰ تشریحی : ۴۵ زمان آزمون (دقیقه) : تستی : ۴۵ تشریحی : ۴۵

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۳۳۰۱۴ - زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۱۱

۱۱ - یعد هذا الشاعر صله بين القديم و الجديد:

۱. أبو نؤاس ۲. بشار بن برد ۳. ابن الرومی ۴. ابوتمام

۱۲ - محبه صدق لم تكن بنت ساعه ولا ورت حين ارتیاد زنادها:

۱. آنچه که در گذشته رخ داده_ آتش از آن خارج شده

۲. آنچه که در آینده اتفاق می افتد_ چوبی که با آتش می افروزند

۳. آنچه که به یکباره اتفاق می افتد_ درخواست

۴. آنچه که آرام آرام حادث می شود_ نیاز

۱۳ - الغرض الشعرى الذى جعله بشار بن برد ذریعه للفاع عن نفسه هو:

۱. الفخر ۲. المدح ۳. الهجاء ۴. الرثاء

۱۴ - فقد نکتوا عهدنا عندهم فكيف نالهم على الناکثین:

۱. سرزنش می شویم_ پیمان شکنان ۲. سرزنش کنیم_ پیمان شکنان

۳. سرزنش خواهند کرد_ پیمان شکنان ۴. مورد سرزنش قرار می گیریم_ پیمان شکنان

۱۵ - هم فتحوا أغلاقها بسیوفهم وهم تركوا الأنوار فیها حنادسا:

۱. بسته شده_ تاریکی ها ۲. باز شده_ روشنی ها

۳. رها شده_ واقع شده ۴. در برگرفته_ حادث شده

۱۶ - وأرعن طماح الذؤابه باذخ يطاول أعنان السماء بغارب:

۱. بلند_ بلند ۲. بلند_ کوتاه ۳. کوتاه_ بلند ۴. کوتاه_ کوتاه

۱۷ - عین الصحیح عن ترجمه الأبیات فیما یلی:

أصخت إلیه وهو آخرس صامت فحدثنی لیل السرى بالعجائب:

۱. به او که گنگ و ساکت است گوش فرا دادم و او از شگفتی ها برای من سخن گفت

۲. به گوش فرادادم در حالی که گنگ و ساکت بود و در تمام طول آن سفر شبانه برایم از شگفتی ها سخن گفت

۳. صدایی را که ساکت و گنگ بود شنیدم و درباره شگفتی ها در شب تاریک با من سخن گفت

۴. بر سر او که آرام و ساکت بود فریاد بر آوردم و او نیز از شگفتی ها برایم سخن گفت

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۳۳۰۱۴ - زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۱

۱۸ - ضاحک عن جُمان سافر عن بدر :

۱. از مروارید می خندد از ماه سفر می کند
۲. مروارید گونه می خندد و چون بدر ماه کوچ می کند
۳. مروارید می خندد و بدر ماه به سفر خود ادامه می دهد
۴. مروارید دندانهایش را پدیدار کرد و پرده از چهره اش را برداشت

۱۹ - غصن بان مال من حیث التوی بات من یهواه من فرط الجوی:

۱. قد محبوب بلند است همانند درختان قوی هیکل و هنگامی که راه می رود زمین برای او درخود جایی ندارد و هرگاه عاشق می شود قلب او به تپش می افتد
۲. هیکل محبوب همانند درخت بان بلند است هنگامی که با غرور راه می رود هرگاه که عاشق آنرا می بیند قلب او به تپش افتاده و جسم او سست می شود
۳. قد و قواره محبوب بلند و زیباست و هر که او را می بیند از فرط شادی به خود نمی گنجد و او بسیار مغرورانه راه می رود و به آنهایی که او را دوست می دارند توجهی نمی کنند
۴. هیکل محبوب بس قشنگ و دیدنی است که هر که او را می بیند از خود بی خود شده و نگاههایش را معطوف او میکند بس که مغرور و فریفته خود است

۲۰ - و بلغهم سلاما من أخی شجن فی قلبه من فراق القوم أشجان:

۱. از برادر غم و اندوه سلامی برسان به آنها در حالی که قلبش از جدایی قوم خود اندوهگین است
۲. از برادری مخلص که قلبش از فراق قوم خود رنجور است سلام برسان
۳. سلام برادری مخلص را برسان و بگو که دلش از فراق یاران غمگین است
۴. سلام شخص اندوهگین که دلش از فراق یاران غمگین است به ایشان برسان

۲۱ - مدائن حلها الإشراک مبتسماً جذلان و ارتحل الإیمان مبتئساً:

۱. مشرکین شادمان وارد این شهرها شدند و مؤمنین غمگین از آنها رفتند
۲. شرک شادمان وارد این شهرها شد و ایمان غمگین از آنها کوچ کرد
۳. این شهرها محل اقامت شرک شد در حالی که شادمان هستند و ایمان از آنها رخت برپست
۴. اینها شهرهایی هستند که شرک شادمان وارد آنها شد و ایمان غمگین آنها را رها کرد

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۳۳۰۰۱۴ - زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۱۱

۲۲ - یُمزق الدهر حتماً کل سابعه إذا نبت مشرفیات و خرصان:

۱. زمانه حتما هر زرهی را می شکافد وقتی که شمشیر مشرفی کند شود
۲. زمانه هر زرهی را پاره می کند وقتی که نیزها کار ساز نباشد
۳. زمانه روزی هر زرهی را در هم می کوبد آن گاه که شمشیر مشرفی و نیزه کند شود
۴. آنگاه که که شمشیرها و نیزها کار ساز نباشد شمشیر زمانه هر زرهی را می شکافد

۲۳ - بدر المال کالبدور و لکن نالها من ندی یدیه السرارُ :

۱. بدر مال چون بدر آسمان است لکن به واسطه سخاوت ممدوح از زر خالی می شود
۲. کیسه های زر هم چون بدر کامل پر هستند لکن به واسطه اسراف او به لاغری و خالی شدن مبتلا می شوند
۳. کیسه های زر همچون ماه کامل هستند ولی به واسطه بخشش او به محاق مبتلا می شوند
۴. کیسه های زر همچون ماه کامل هستند و از بخشش دستان او مخفی می شوند

۲۴ - لیس لنا ملجأ نؤمله سواک أنت الثمال و الوزرُ:

۱. تنها پناهی که که بدان امید بسته ایم تویی و تو پناهگاه و فریادرس مایی
۲. جز تو پناهی نداریم و فقط تو گناهان ما را می بخشی
۳. فقط به تو پناه می بریم تا گناهانمان را ببخشی
۴. به کسی جز تو امید نبسته ایم چرا که تو تنها بخشاینده گناهی

۲۵ - حذارک من سقم الجفون فإنه سיעدی بما یعیی الطیب المداویا:

۱. تو را از چشم چرانی بر حذر می دارم چرا که شخص بیمار چشم زخم او بسیار بد است
۲. از چشمان بیمار بر حذر باش چرا که دیده شده را به بیماری مبتلا می کند که پزشک از درمان آن عاجز می شود
۳. از شمشیرهای تیز پرهیز کن که آنها بس سهمگین و بُران هستند و تو از آنها در امان نیستی
۴. از شمشیر دشمنان بر حذر باش چرا که آنها همانند چشم زخمی می مانند که اگر به تو برسند تو را از پا می اندازند

۲۶ - فما لی لا أبکی أم القلب صخره و کم صخره فی الأرض یجری بها نهرُ:

۱. چه شده است گریه نمی کنم یا دلم چون صخره است که چه بسیار سنگ هایی که از دل آنها آب بیرون می زند
۲. مرا چه شده است گریه نکردم یا قلبم سنگی است که هیچ آبی از آن بیرون نمی زند
۳. من چیزی ندارم پس گریه نمی کنم و قلبم همانند سنگی که مملوء از آب است اما بیرون نمی زند
۴. دلم شبیه سنگ شده و متأثر نمی شود و از خود طراوشی ندارد همانند انسان مال باخته ای که همه چیزش را از دست داده باشد



تعداد سوالات : تستی : ۳۰ تشریحی : ۴۵ زمان آزمون (دقیقه) : تستی : ۴۵ تشریحی : ۴۵

عنوان درس : متون نظم و نثر اندلس، متون نظم و نثر دوره اندلس

رشته تحصیلی/کد درس : زبان و ادبیات عرب ۱۳۳۰۰۱۴ - ، زبان و ادبیات عربی ۱۳۳۰۱۱۱

۲۷ - عین الصحيح عن تشکيل العبارات التي تحتها خط فيما يلي:

فقل للنجوم الزهر تبكيهما معي لمثلها فلتحزن الأنجم الزهر :

۱. الأنجمُ - الزهرُ ۲. الأنجمُ - الزهرُ ۳. الأنجمُ - الزهرُ ۴. الأنجمُ - الأنجمُ

۲۸ - إنه لشجى يعتادنى و ولوع هم :

۱. وولوعُ - همُّ ۲. وولوعُ - همُّ ۳. وولوعُ - همُّ ۴. وولوعُ - همُّ

۲۹ - و لست بذى قيد یرن و إنما على اللحظ من سخط الإمام قيود:

۱. قيدٌ - قيودٌ ۲. قيدٌ - قيودٌ ۳. قيدٌ - قيودٌ ۴. قيدٌ - قيودٌ

۳۰ - لبان لها من البين جازع و أنى على مضّ الخطوب صبور :

۱. جازعٌ - الخطوبِ ۲. جازعٌ - الخطوبِ ۳. جازعٌ - الخطوبِ ۴. جازعٌ - الخطوبِ